

پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه

شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸: ۱۵۸-۱۴۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۰۷/۱۹

تحول نامگذاری فرزندان در شهر تهران

سید محمود نجاتی حسینی*

سمیه افشار**

چکیده

روند تغییر و تحول نام‌های افراد می‌تواند نشان‌دهنده فرآیند تغییرات اجتماعی و فرهنگی در نظام اجتماعی باشد. در این تحقیق با مطالعه موردی نام‌گذاری فرزندان در شهر تهران، به مقایسه ارزش‌های نسل‌های پس از انقلاب پرداخته می‌شود. بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، ۴۰۰ نفر به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند. با بررسی تأثیر دوره تاریخی، جنسیت و منطقه مسکونی در میزان تحول ارزش‌های نسل‌های پس از انقلاب به بررسی نام‌ها پرداخته و نتایجی که به دست آمد، مبین آن بود که مردان بیش از زنان دارای نام‌های اسلامی- مدرن‌اند. بر این اساس در دوره انقلاب، کودکان بیشتر نام‌های اسلامی داشته ولی در دوره اصلاحات، بر میزان نام‌های غربی افزوده شده است. علاوه بر آن، فرزندان مناطق جنوبی شهر تهران بیشتر دارای نام‌های اسلامی- سنتی و اکثر افراد ساکن در مناطق شمالی، برای کودکانشان نام‌های ایرانی-مدرن برگزیده‌اند.

واژگان کلیدی: تحولات فرهنگی، تحولات نسلی، تحولات نام‌گذاری، دوره

تاریخی، نسل.

Smnejatih@yahoo.com

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علم و فرهنگ

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات فرهنگی دانشگاه علم و فرهنگ S_afshar_60@yahoo.com

مقدمه

ایران در حدود ۵۰ سال اخیر از نظر وضعیت اجتماعی-تاریخی یکی از مهم‌ترین دوران‌های حیات اجتماعی خود را پشت سر گذاشته و در معرض برنامه‌های نوسازی و توسعه اجتماعی-اقتصادی بوده است. در دهه‌های اخیر جامعه ما به دلیل گسترش روزافزون صنایع، به رشد قابل توجهی در حیطه اقتصادی دست یافته است که این امر باعث بروز تغییراتی در ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی مردم شده است. دگرگونی و تغییر در عرصه‌های فرهنگی تدریجی و آرام صورت می‌گیرد و این دگرگونی‌ها بازتاب تجربه نسل‌ها و انتقال آن به نسل‌های بعد است. در چهار دهه اخیر با شاخصهایی چون صنعتی شدن، شهرنشینی، باسوادی، جوانی جمعیت، گسترش وسائل ارتباط جمعی، مهاجرت گسترده به شهرها و همچنین رشد طبقات متوسط فرهنگی و اقتصادی مواجه بوده‌ایم (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۵۳۴ و ربیعی، ۱۳۸۰: ۱۳۲). با توجه به وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و استقرار نظام جدید و همچنین شروع جنگ (بعد از گذشت سال‌های کوتاه از انقلاب) و ایجاد زمینه‌های دشوار اجتماعی-اقتصادی ارزش‌هایی چون دین، عدالت، استقلال و ایثار مطرح شده و نهادهای مختلف اجتماعی سعی کردند تا در این قضایای جدید افراد را به گونه‌ای پرورش دهند که به این ارزش‌ها وفادار بوده و تفکر و الگوی زندگی خود را مطابق ارزش‌های انقلاب سازماندهی کنند. همان‌گونه که اینگلهارت نیز در کتاب «تحولات فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی» متذکر می‌شود؛ دگرگونی تدریجی فرهنگ و بازتاب این دگرگونی در تجربیات می‌تواند سازنده باشد. از این رو پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته کاملاً به چشم می‌خورد؛ در صورتی که در میان نسل‌های جوان‌تر، ارزش‌ها و گرایش‌های جدیدی نفوذ می‌کند که خود نتیجه جهان‌بینی‌های متفاوت آنها است. به عبارت دیگر جهان‌بینی افراد با توجه به تجارب کلی آنها در زندگی خودشان شکل می‌گیرد که گاه با تجارب نسل‌های قبل تفاوت‌هایی دارد. از آنجا که دگرگونی فرهنگی در میان نسل‌ها و گروه‌های جوان‌تر زودتر شکل می‌گیرد، لذا ما بیشتر شاهد تفاوت‌هایی در میان نسل‌ها هستیم. در این میان دگرگونی ارزش‌ها در گروه‌های جوان‌تر که نیازی به غلبه بر مقاومت علیه

تحول نامگذاری فرزندان در شهر تهران/۱۴۳

متناقضات اولیه را ندارند با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۱-۲۱).

انقلاب ایران باعث به‌وجود آمدن تغییر و تحول اساسی در شالوده نظام ارزشی جامعه شد. در واقع نظام ارزشی جدیدی پایه ریزی گردید که عناصر مهم آن از بین رفتن بی‌عدالتی و نابرابری، استبداد، وابستگی به غرب و ایجاد تمایل بیشتر به مذهب، ایثار و انسجام بود. هرچند در مقابل این نظام ارزشی تازه، نظام ارزشی قدیمی شاهانه نیز دارای ریشه‌های کم و بیش قوی در میان اقشار مختلف جامعه بود که عناصر اصلی این نظام قدیمی را برتری‌جویی، جاه‌طلبی، کسب منزلت، مصرف‌گرایی، فردگرایی و... تشکیل می‌داد. میان این دو نظام ارزشی نیز افرادی قرار می‌گرفتند که دارای روحیه سنتی بسیار قوی و نوعی ذکاوت بودند و در اوضاع مناسب به نحوی عمل می‌کردند که متضرر نشوند. در این اوضاع پول و ثروت و منفعت در یک جبهه و ایثار و انفاق و انسجام در طرف دیگر قرار گرفت. با توجه به وضعیت جدید، جامعه به سمت و سویی حرکت می‌کرد که سبک زندگی مردم نیز در این جریانات با تحولاتی مواجه می‌شد. تغییر در ظاهر افراد، تغییر اسامی افراد، کوچه‌ها و محله‌ها، برپایی جلسات روضه و قرآن و ... از جمله مظاهر تغییرات نظام ارزشی بود. این تغییر ارزشی حتی در نظام اقتصادی نیز تاثیر خود را نشان می‌داد. با تغییر ارزش‌ها، تقاضا برای برخی کالاها کاهش یافت و برخی کالاها رونق بسیاری پیدا کردند. در این نظام ارزشی ثروت به عنوان ارزش منفی و ایثار و فداکاری و بخشش و قناعت به عنوان ارزش‌های مثبت تبلیغ شدند. با شروع جنگ در سال ۱۳۵۹ جامعه در برابر قدرت خارجی بسیج شد و مشکلات داخلی خود را کنار گذاشت. تبلیغات و انتشار اهداف ارزش مدارانه در جامعه و محبوبیت رهبر انقلاب باعث شد نیروهای بسیاری مشتاقانه به سمت جبهه‌ها بشتابند که این امر خود به تثبیت بیشتر ارزش‌های انقلاب کمک شایانی کرد. در این سال‌ها شهادت طلبی، برپایی مجالس سوگواری و مداحی و نمازهای جماعت، علاقه به نامگذاری کودکان بر طبق نام‌های صحابه پیامبر و امامزاده‌ها به شدت رونق گرفت. در دوران سازندگی (۱۳۷۲) تغییر از جامعه بسته به سمت روش‌های جدید از جمله راهبردهایی بود که به این تغییرات تدریجی شدت می‌بخشید. بالا رفتن سطح تحصیلات که به تغییر نگرش‌ها می‌انجامید،

تغییر در وضع درآمد، نابرابری در یافتن شغل، افزایش جمعیت، مهاجرت به سمت شهرها، تمایل به مصرف گرایی و بروز معضلات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از جمله این تغییرات بود. با به وجود آمدن احساس نیاز به ایجاد برخی اصطلاحات در ساختارها و نظام ارزشی و هماهنگ شدن با تغییرات صنعتی و فرهنگی، جامعه به سمت نگرش‌ها و ایده‌های جدیدی حرکت کرد (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۱۶۹-۱۲۷).

امروزه هر چند نسل جدید جامعه ایران، تجربه نسل قبل را در اختیار دارد ولی به تغییر قالبها و ساختارها اقدام نموده است که این تغییرات نهایتاً به تغییر در روش و سبک زندگی می‌انجامد. روند تغییر و تحول نام‌های افراد یکی از مواردی است که می‌تواند تجلی فرآیند این تغییرات در نظام اجتماعی باشد. در واقع نام‌گذاری مانند هر عمل دیگری از ارزش‌ها و انگیزه‌های روانی تاثیر پذیرفته و در زمینه اجتماعی^۱ و فرهنگی معینی انجام می‌شود. از این رو می‌توان از نام‌گذاری به مثابه یک نهاد، یک عمل فرهنگی و به تبع آن عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر به آن یاد نمود (رجب‌زاده، ۱۳۷۸: ۱). بررسی تحول نامگذاری در طی نسل‌های مختلف، تفاوت نام‌های انتخاب شده در میان طبقات اجتماعی و در میان دو جنس مذکر و مونث، می‌تواند ما را در شناخت و مقایسه ارزش‌های نسل‌ها یاری دهد. پاسخ به سوالاتی از قبیل چگونگی تأثیر محل زندگی فرد و همچنین تغییرات اجتماعی، فرهنگی، ارزشی و افکار رایج در میان افراد جامعه در انتخاب نام کودکان و یا میزان تأثیر آرزوهای سرکوب شده والدین و ویژگی‌های کودک در انتخاب نام برای او، می‌تواند در ادامه این روند تأثیرگذار باشد. از میان تمام سؤالات مطرح شده، در این مقاله تنها به تأثیر جنسیت، محل سکونت و دوره‌های تاریخی در نام‌گذاری کودکان تهرانی می‌پردازیم.

مروری بر برخی پژوهش‌های پیشین

مروری بر مباحث مطرح شده نشان می‌دهد که محتوای معانی نام‌ها صرفاً نشان دهنده منبع و ریشه اشتقاق آنها نیست، بلکه حالات روحی و روانی، زمینه‌های تولد،

1. social context

عقاید و اموری نظیر آن در این محتوا دخیل‌اند. تحقیقاتی که محققین کشورهای مختلف در حوزه اسامی اشخاص انجام داده‌اند، مبین حالت‌های روانی، رابطه خویشاوندی، سلسله مراتب اقتدار و گرایش‌های نژادی و قشربندی اجتماعی است. مواردی که در ادامه به آن اشاره می‌شود تنها بخش محدودی از مطالعاتی است که در این حوزه انجام شده است.

فلورنسکی^۱ در مجموعه مقالاتی که طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰ تحت عنوان نام‌ها انجام داده، به بررسی مجموعه‌ای از نام‌های روسی از زوایای مختلفی چون توجه به مشخصه‌های روان‌شناسی، زبان‌شناسی، اصوات و نشانه‌های نوشتاری، معانی فولکلوریک، خاستگاه و نقش‌های اجتماعی نام‌ها توجه نشان داده است. فیرث^۲ (۱۹۸۷) نیز در مجموعه نام‌هایی که مورد تحلیل قرار داد به موارد انسان‌شناختی چون؛ اوضاع محیطی، خصایص فیزیکی و رفتاری افراد توجه نشان داد. لیبرسون^۳ (۱۹۸۴) برای شناسایی تحولات و تغییرات فرهنگی و اجتماعی در دوره‌های زمانی مختلف به بررسی نام‌ها پرداخت. به اعتقاد او نام‌هایی که برای کودکان انتخاب می‌شود برگرفته از تصورات والدین نسبت به فرزند تازه متولد شده و انطباق نام او با خاستگاه قومی آنها است. سامسر^۴ (۱۹۹۲) در بررسی درام‌های تلویزیونی^۵ نتیجه‌گیری می‌کند که نمادها قادرند نام‌ها و نقش‌های دراماتیک را به هم همبسته ساخته و از این طریق بر برنامه‌ها و محتوای آنها تأثیر گذارند. در ایران نیز حبیبی (۱۹۹۲)، عبدی (۱۳۷۶) و رجب زاده (۱۳۷۶) به تحلیل‌هایی در حیطه نام‌گذاری و تغییرات و تحولات اجتماعی-فرهنگی دست زده‌اند که در ادامه به تفسیر و توضیح طبقه‌بندی نام‌ها از دیدگاه آنها می‌پردازیم.

حبیبی در تحقیق خود اسامی ثبت شده در ثبت اسناد شهر همدان را در دو مرحله به سه مقوله نام‌های اسلامی، عربی غیر اسلامی و فارسی تقسیم کرده است. از آنجا که او نام‌ها را وسیله‌ای برای دستیابی به نگرش و ارزش‌های انتخاب‌کنندگان می‌داند، برای

1. Florenskiy
2. Firth
3. Lieberson
4. Sumser
5. television drama

بررسی نام‌ها، از متغیر نواحی ثبت احوال به عنوان شاخص پایگاه اقتصادی-اجتماعی استفاده کرده است. وی در مرحله اول اسامی را بر اساس ریشه زبانی آنها به عربی و فارسی (غیر عربی) و در مرحله دوم اسامی عربی را به دو دسته دینی (نام پیامبران و ائمه) و غیر دینی تقسیم می‌کند. نتایج تحقیقات بیانگر این مسئله بود که محبوبیت اسامی اسلامی در میان اهالی ناحیه دارای درآمد کم به مراتب بیشتر است تا در میان اهالی دارای درآمد بالا (حبیبی، ۱۹۹۲: ۴). در مقابل عبدی با انتقاد از مقوله‌بندی مذکور، نام‌ها را در ۵ مقوله؛ غربی، اسلامی، خنثی، ملی، خرده فرهنگ طبقه‌بندی کرده سپس گرایش اسلامی را به مقولات فرعی تقسیم می‌کند. عبدی معتقد است دسته‌بندی حبیبی منعکس کننده همه گرایشهای فرهنگی موجود در ایران نیست. او با در نظر گرفتن متغیرهایی چون؛ جنسیت، حوزه دریافت شناسنامه، تاریخ تولد و نام و تاریخ تولد والدین به بررسی روند تغییر نام‌ها در میان دو نسل افراد ساکن شهر تهران می‌پردازد (عبدی، ۱۳۷۶: ۳۸). اما رجب زاده معتقد است به‌رغم مقولات متعددی که عبدی در طبقه‌بندی خود در نظر گرفته، مقوله‌بندی وی جامع و مانع نیست و تمام اسامی را تحت پوشش قرار نمی‌دهد. لذا با در نظر گرفتن کاستی‌های پژوهش حبیبی و مقوله بندی ذهنی عبدی، دسته‌بندی دیگری ارائه می‌دهد. او نام‌ها را بر حسب ریشه زبانی به چهار مقوله فارسی، عربی، غربی، ترکی تقسیم کرده و بعد آنها را از هم تفکیک می‌کند. بر این اساس او نام‌ها را در ۱۱ مقوله طبقه بندی می‌کند:

- | | | |
|-------------------------------|-------------------------------|-----------------------|
| ۱. غربی | ۲. فارسی قبل از اسلام | ۳. فارسی بعد از اسلام |
| ۴. فارسی خنثی | ۵. ائمه و پیامبر | ۶. پیامبران گذشته |
| ۷. امامزاده‌ها و .. | ۸. صفات خدا | ۹. صحابه |
| ۱۰. با ریشه قرآنی و عربی خنثی | ۱۱. ترکی (رجب زاده، ۱۳۷۸: ۷۶) | |

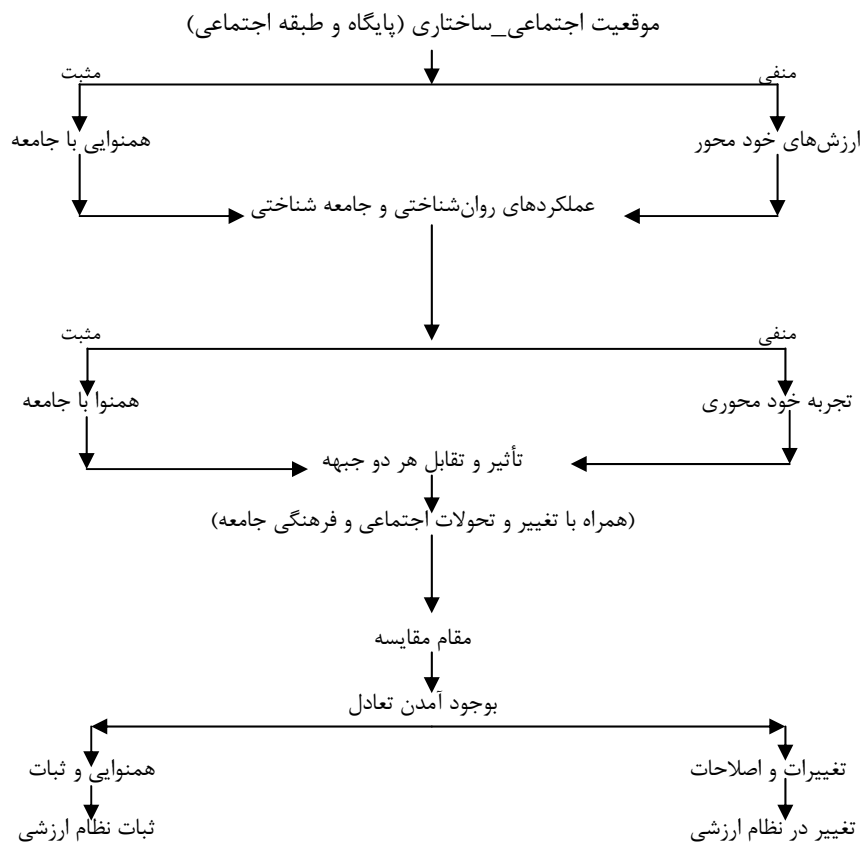
وی بر اساس طبقه‌بندی ارائه شده اقدام به تحلیل داده‌ها کرده است. البته در این تحقیق با توجه به زمینه‌ها و ازدیاد مقولاتی که رجب زاده در نظر گرفته بود ما مقوله بندی جدیدی ارائه می‌نماییم که شرح کامل آن در ادامه خواهد آمد. در واقع به نظر می‌رسد رجب زاده با ریز کردن گروه‌ها و تبدیل آنها به خرده گروه جدول بزرگی ارائه

داده که بسیاری از نام‌ها را می‌توان در یک گروه جای داد. مقولاتی که رجب زاده در طبقه‌بندی خود ارائه می‌دهد به حدی جزئی و خرد شده است که در قسمت‌هایی ما با تداخل نام‌ها مواجه می‌شویم. به طور مثال بسیاری از نام‌های ائمه و امامزاده‌ها با صفات خداوند مشترک است. در این تحقیق برای کاهش این‌گونه مشکلات طبقه‌بندی جدیدی ارائه می‌شود تا بتوانیم با اطمینان بیشتری نام‌ها را مقوله‌بندی نماییم. با توجه به اینکه هدف تحقیق حاضر مقایسه ارزش‌های نسل‌های پس از انقلاب است به تحلیل این تغییرات در بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰ توجه کرده‌ایم. زیرا همان‌گونه که توضیح داده شد ایران در دهه‌های مذکور دستخوش حوادث مختلفی بوده است.

چارچوب نظری

اقتدار مختلف جامعه، تا آنجا که از نظر موقعیتی در جریان‌های اجتماعی واقع شده‌اند، قادرند اهداف جدیدی را به تصویر کشند و در ارزش‌ها تغییر و تنوع به‌وجود آورند. به عقیده مانهایم، حتی در دوره‌های انقلابی نیز ارزش‌های سنتی و مدرن (کهنه و نو) با هم مخلوط هستند (بیلینگتون، ۱۳۸۰: ۱۷۱). جانسون نیز با تأکید بر اینکه ارزش‌ها همواره در تحولات اساسی یک جامعه نقش بازی می‌کنند یادآور می‌شود که ارزش‌ها به منزله عناصر تبیین‌کننده وقایع برای محیط خاص یک جامعه عمل می‌کنند (کوهن، ۱۳۶۹: ۱۳۰). سرعت تحولات جهانی، نزدیک شدن جوامع نوین در زمینه تمدن به یکدیگر، تداخل فرهنگ‌های ملی، بروز تغییرات فرهنگی در جوامع، رشد تفاوت ارزش‌ها و تغییر آن در میان افراد جامعه همگی می‌توانند سرچشمه بروز تحولاتی در نظام ارزشی باشند. حتی اینگلهارت نیز معتقد است دگرگونی فرهنگی، بازتاب دگرگونی‌های اقتصادی، تکنولوژیکی، سیاسی و اجتماعی است. از این رو ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های قبل از جنگ تا حد زیادی در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ می‌کند و در نتیجه با جایگزین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای نسل‌های بزرگ‌تر، فرهنگ و جهان بینی متداول در این جوامع دگرگون شده و این تحول همچنان ادامه می‌یابد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴). مانهایم نسل را به عنوان یکی از واحدها و گروه‌های اجتماعی در نظر می‌گیرد که موقعیت آنها اهمیتی قابل قیاس با طبقه و

قشربندی طبقاتی در تعیین تنوع سنخ‌های اندیشه و سایر فرآیندهای ذهنی دارد. نسل محل ظهور و تداوم جهت‌گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در زمینه اجتماعی-تاریخی ویژه‌ای، که هر نسل معینی در آن رشد کرده ریشه دارد (مانهایم، ۱۳۸۰: ۵۵-۳۰۰). با توجه به مطالب فوق می‌توان الگوی زیر را عرضه کرد.



الگوی تحلیل پژوهش (۱)

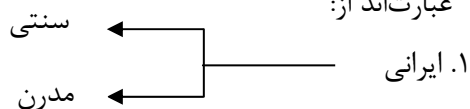
فرضیه‌های پژوهش

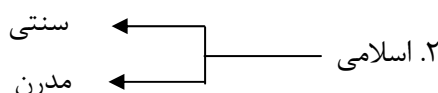
با توجه به توضیحاتی که عرضه شد بر آن شدیم تا در این تحقیق عوامل تأثیرگذار بر روند تغییر نام‌ها را شناسایی کنیم. بر مبنای مطالعات اولیه‌ای که صورت گرفت این نتیجه به دست آمد که منطقه مسکونی به عنوان عامل شناسایی طبقه اجتماعی، جنسیت به عنوان عاملی جهت تفکیک اهمیت و کاربرد نام‌ها، دوره‌های تاریخی به عنوان عامل شناسایی تغییرات به وجود آمده طی دهه‌های مختلف و تأثیر نظام اجتماعی و سیاسی در میان آحاد جامعه می‌توانند از جمله عواملی باشند که در بررسی چگونگی این تحولات تأثیر دارند. لذا بر آن شدیم تا بر این اساس فرضیه‌های اصلی تحقیق را بنا نهیم. این فرضیات عبارت‌اند از:

- میان جنسیت و نوع نام افراد رابطه وجود دارد؛ به این معنی که، مردان به نسبت زنان بیشتر دارای اسامی اسلامی هستند.
- میان دوره‌های تاریخی و نوع نام افراد رابطه وجود دارد؛ به این معنی که، هرچه به سال‌های اخیر نزدیک‌تر می‌شویم (از دوران انقلاب و جنگ فاصله می‌گیریم) میزان اسامی اسلامی کاهش پیدا می‌کند.
- میان منطقه مسکونی و نوع نام افراد رابطه وجود دارد؛ به این معنی که، افراد ساکن مناطق بالاتر شهر تهران بیشتر نام‌های غیر اسلامی دارند.

روش شناسی

در تحقیق حاضر با توجه به متغیرها و ازدیاد مقولاتی که رجب زاده در کار خود به کار برده بود طیف بندی جدیدی عرضه می‌شود که با اوضاع جامعه و نوع متغیرهای تحقیق و حجم کاری و تعداد نمونه ما نیز همخوانی داشته باشد. بر این اساس ما اسامی را به سه قسمت ایرانی، اسلامی و غربی تقسیم نمودیم. و در ادامه اسامی فارسی و اسلامی را نیز در دو گروه فرعی سنتی و مدرن دسته بندی کردیم در نتیجه مقولات ما عبارت‌اند از:





۳. غربی

که در اصل نام‌هایی که یاد آور سنتها و گذشته است را سنتی و نام‌هایی که امروزی تر و جدیدترند را مدرن در نظر گرفتیم. در برخی موارد با نام‌های ترکیبی مواجه می شویم که با توجه به اوضاع جامعه و در نظر گرفتن زمان، آنها را در مقولات فوق گنجانیدیم. به‌طور مثال «نازنین زهرا» یک نام ترکیبی مدرن به شمار می‌رود و «صفرعلی»، یا «غلامعلی» یک نام ترکیبی سنتی است. این مثلث ما را به سمت تغییرات ارزشی و شاید به سمت سکولاریسم هدایت می‌کند.

منظور از دوره تاریخی در این تحقیق، تقسیم کردن سال‌های انقلاب تا اصلاحات به پنج دوره است که در واقع درصدد بوده ایم افراد متولد هر دوره را در یک طبقه جای دهیم. این طبقات عبارتند از :

افراد متولد ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹	←	دوره انقلاب
افراد متولد ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶	←	دوره جنگ
افراد متولد ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۲	←	دوره پایان جنگ
افراد متولد ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶	←	دوره سازندگی
افراد متولد ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰	←	دوره اصلاحات

با توجه به زمینه‌ها و محدودیت‌های تحقیق، تهران را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم کرده و مناطق ۱ تا ۶ را مناطق شمالی و اصطلاحاً بالای شهر و مناطق ۷ تا ۲۱ را مناطق جنوبی یا اصطلاحاً پایین شهر نامیدیم.

با توجه به جمعیت تهران درصدد برآمدیم جمعیت آماری خود را از میان دانش آموزان و با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی انتخاب کنیم. به این ترتیب که بعد از تقسیم مناطق به دو قسمت شمالی و جنوبی، از میان هر ناحیه چند منطقه و از میان این مناطق چند مدرسه را به طور تصادفی و اتفاقی انتخاب کردیم. از میان مدارس نیز به طور تصادفی چند کلاس را برگزیدیم. بدین ترتیب از میان مناطق

شمالی (بالای شهر)، مدارس مناطق ۲، ۳، ۵، ۶، و از منطقه جنوبی (پایین شهر) مدارس مناطق ۱۱، ۱۵، ۱۶ و ۱۹، انتخاب شدند.

با توجه به مطالب فوق و تقسیم‌بندی دوره‌های تاریخی به ۵ دوره، جمعیت نمونه ما (۴۰۰ نفر) بر اساس جدول میزان حجم نمونه و خطای نمونه‌گیری از کتاب پیمایش در تحقیق اجتماعی نوشته دواس انتخاب شده است که بر این اساس در سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای نمونه‌گیری ۵٪ حجم نمونه طبق برآورد جدول مذکور ۴۰۰ نفر است (دواس، ۱۳۸۳: ۸۷). این ۴۰۰ نفر شامل ۲۰ گروه می‌شوند که در هر گروه ۲۰ نفر به عنوان واحدهای نمونه وجود دارد. ۱۰ گروه آن متعلق به پسران (شامل ۵ دوره تاریخی مربوط به مناطق شمالی و ۵ دوره مربوط به مناطق جنوبی) و ۱۰ گروه متعلق به دختران (شامل ۵ دوره تاریخی مربوط به مناطق شمالی و ۵ دوره متعلق به مناطق جنوبی) است. به طور مثال نام «آزاده» به عنوان اسم دختر (مربوط به دوره بعد از انقلاب) در منطقه شمالی تهران یا اصطلاحاً بالای شهر، در حیطه نام‌های ایرانی مدرن می‌باشد. جدول زیر نشان دهنده نوع توزیع جمعیت نمونه آماری در این تحقیق است. جدول شماره ۲ جمعیت نمونه آماری مورد پژوهش به تفکیک منطقه، جنسیت و دوره‌های تاریخی با توجه به دوره‌های مشخص شده، رده‌های سنی افراد نمونه در ذیل می‌آید.

جمع (درصد) بالای شهر	پسر		دختر		دوره تاریخی
	پایین شهر	بالای شهر	پایین شهر	بالای شهر	
۲۰	۵	۵	۵	۵	دوره انقلاب
۲۰	۵	۵	۵	۵	دوره جنگ
۲۰	۵	۵	۵	۵	دوره پایان جنگ
۲۰	۵	۵	۵	۵	دوره سازندگی
۲۰	۵	۵	۵	۵	دوره اصلاحات
۱۰۰	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	جمع (درصد)

۱. دوره بعد از انقلاب از سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ ← دانشجویان و دانش‌آموختگان
 ۲. دوره جنگ از سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶ ← دانشجویان و دانش‌آموختگان
 ۳. دوره پایان جنگ از سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۲ ← دانش‌آموزان سوم راهنمایی و دبیرستان
 ۴. دوره سازندگی از سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶ ← دانش‌آموزان ۴ و ۵ دبستان، ۲ و ۱ راهنمایی
 ۵. دوره اصلاحات از سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ ← دانش‌آموزان ۱، ۲ و ۳ دبستان
- از هر دوره، مدارسی به تفکیک جنسیت انتخاب شدند. بدین ترتیب که در هر دو ناحیه شمالی و جنوبی ما دختران و پسرانی داریم که در هر دوره سنی جای می‌گیرند. بر اساس طبقه‌بندی انجام شده، هر یک از نام‌ها در گروه‌های زیر جای می‌گیرند.
۱. اسلامی سنتی شامل: اسامی خدا، پیامبر اسلام^(ص)، ائمه و امامزاده‌ها^(ع) و ریشه‌های آنها.
 ۲. اسلامی مدرن شامل: اسامی پیامبران سلف، شخصیت‌های دینی و زنان مشهور که نام آنها در قصص و قرآن آمده و اسامی که ریشه قرآنی دارند و صحابه پیامبر و اسامی ترکیبی اسلامی.
 ۳. ایرانی سنتی: شامل اسامی و القاب شاهان و سرداران ایرانی، مغولی، زرتشتی و عربی و مصطلح در فارسی و شاهنامه و اسامی خرده فرهنگ‌ها و اسامی فارسی خنثی که سنت را یادآور است (شوکت، سلطنت الملوک و...).
 ۴. ایرانی مدرن: اسامی فارسی خنثی (گل‌ها، پرندگان، ستارگان و...) که مدرن و امروزی بودن را یادآور است.
 ۵. اسامی غربی

تحلیل یافته‌ها

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ۲۸/۸ درصد اسامی افراد، ایرانی-مدرن بوده که مقدار ماکزیمم است یعنی بیشتر افراد دارای اسامی ایرانی-مدرن بوده و کمترین مقدار مربوط به اسامی غربی با ۶/۶ درصد بوده است. جدول شماره ۳ مبین همین امر است.

جدول شماره ۳: تیپولوژی اجتماعی نام گذاری افراد

درصد	نوع نام افراد
۲۸.۳	اسلامی - سنتی
۲۸.۰	اسلامی - مدرن
۸.۸	ایرانی - سنتی
۲۸	ایرانی - مدرن
۶.۳	غربی
۱۰۰.۰	جمع

بر اساس تحلیل‌های انجام گرفته، ۱۸ درصد پسرها (بالاترین درصد) دارای نام‌های اسلامی-مدرن و در مقابل دختران با ۱۱/۲۵ درصد دارای بیشترین نام ایرانی-مدرن بوده‌اند. همچنین انتخاب نام غربی برای پسران در حداقل میزان خود واقع شده است و این میزان برای دختران در مورد نام‌های ایرانی-سنتی صدق می‌کند. نتیجه بررسی‌ها و تحلیل‌های انجام شده حاکی از آن بود که بین جنسیت و نوع نام افراد رابطه معنی داری مشاهده می‌شود که شدت این رابطه ضعیف برآورد شد. آنچه در جدول شماره ۴ مشاهده می‌گردد بیانگر همین مطلب است.

جدول شماره ۴: تیپولوژی اجتماعی - جنسیتی نام گذاری افراد

جمع (درصد)	نوع نام افراد					جنسیت
	اسلامی - سنتی	اسلامی - مدرن	ایرانی - سنتی	ایرانی - مدرن	غربی	
۵۰	۱۷	۱۸	۶/۲۵	۷/۵	۰/۷۵	پسر
۵۰	۱۱/۲۵	۱۰	۲/۵	۲۱/۲۵	۱۲/۵	دختر
۱۰۰	۲۸/۲۵	۲۸	۸/۷۵	۲۸/۷۵	۶/۲۵	جمع

برای بررسی نوع نام‌ها در دوره‌های تاریخی که ذکر گردید، جدولی تهیه کردیم که بتواند به خوبی نوع این رابطه را نشان دهد. طبق اطلاعات جدول شماره ۵، در دوره انقلاب بیشتر افراد دارای نام اسلامی-سنتی بوده‌اند و از اسامی غربی و ایرانی-سنتی به مقدار بسیار ناچیزی استفاده شده است، به طوری که می‌توان نادیده گرفت. در دوره جنگ نیز با کمی تغییر می‌توان گفت بیشتر افراد دارای نام اسلامی-سنتی بوده‌اند و از نام غربی استفاده نشده است. این روند در دوره‌های بعد تعدیل شده و نهایتاً در دوره اصلاحات با پراکندگی نسبتاً زیادی مواجه هستیم. با توجه به سطح معناداری (۰.۰۰) رابطه کاملاً معناداری بین نوع نام افراد و دوره تاریخی مشاهده می‌شود و بر اساس شاخص «وی کرامر» شدت رابطه نسبتاً ضعیف است.

جدول شماره ۵: تیپولوژی اجتماعی - تاریخی نام‌گذاری افراد

جمع (درصد)	نوع نام افراد					دوره تاریخی
	اسلامی - سنتی	اسلامی - مدرن	ایرانی - سنتی	ایرانی - مدرن	غربی	
۲۰	۹	۴	۱/۵	۵	۰/۵	دوره انقلاب
۲۰	۶	۶/۷۵	۲/۵	۴/۵	۰/۲۵	دوره جنگ
۲۰	۵	۵	۳	۶	۱	دوره پایان جنگ
۲۰	۵	۵/۷۵	۱	۷	۱/۲۵	دوره سازندگی
۲۰	۳/۲۵	۶/۵	۰/۷۵	۶/۲۵	۳/۲۵	دوره اصلاحات
۱۰۰	۲۸/۲۵	۲۸	۸/۷۵	۲۸/۷۵	۶/۲۵	جمع (درصد)

جدول شماره ۶ فرضیه آخر ما را تحلیل می‌کند.

جدول شماره ۶: تیپولوژی اجتماعی - فضایی نام‌گذاری افراد

جمع	نوع نام افراد					منطقه مسکونی
	اسلامی - سنتی	اسلامی - مدرن	ایرانی - سنتی	ایرانی - مدرن	غربی	
۵۰	۱۱	۱۲	۵/۵	۱۷	۴/۵	شمالی
۵۰	۱۷/۲۵	۱۶	۳/۲۵	۱۱/۷۵	۱/۷۵	جنوبی
۱۰۰	۲۸/۲۵	۲۸	۶/۲۵	۱/۷۵ ۲۸	۶/۲۵	جمع

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود بیشتر افراد نمونه ساکن مناطق شمالی نام ایرانی- مدرن دارند و در مقابل افراد ساکن جنوب شهر تهران بیشتر دارای نام اسلامی- سنتی هستند. در همین باره در منطقه جنوبی با حداقل نام غربی مواجه هستیم و در منطقه شمال شهر تهران این میزان (حد اقل) در گروه نام ایرانی- سنتی به چشم می‌خورد. تحلیل‌های انجام شده نشان دادند که با سطح معنا داری (۰.۰۰۱) رابطه کاملاً معنا داری بین نوع نام افراد و منطقه مسکونی مشاهده می‌شود. علاوه بر آن شدت رابطه بر مبنای ضریب وی کرامر نسبتاً ضعیف برآورد شده است.

نتیجه‌گیری

از آنجایی که افراد جامعه در اوضاع گوناگون به طرق مختلف جامعه‌پذیر می‌شوند، لذا با اختلافات و تفاوت‌هایی در آراء و عقاید مواجه می‌شویم که این تفاوت‌ها به اشکال مختلف در زندگی افراد متجلی می‌شوند. سرعت تحولات جهانی، تداخل فرهنگ‌های ملی، بروز تغییرات فرهنگی در جوامع، رشد تفاوت ارزش‌ها و تغییر آن در میان افراد جامعه و عواملی از این قبیل همگی می‌توانند سرچشمه بروز تحولاتی در نظام ارزشی باشند. از مرحله‌ای که یک نظام ارزشی جدید با نظام ارزشی قدیم به مقابله جدی برمی‌خیزد و دو نظام تقریباً به قدرت مساوی می‌رسند، تا زمانی که نظام جدید بر نظام قدیم غلبه می‌کند ما با فرآیند تغییر ارزش‌ها مواجه هستیم. روند این حرکت به این صورت است که اقشار طبقه بالا برای متمایز کردن خود از دیگر اقشار دست به ابتکارهایی می‌زنند. از جمله تغییر در لباس و وضع ظاهر و حتی نام، در مقابل دیگر اقشار برای همانند سازی به سمت تغییر و هماهنگ سازی با قشر بالای جامعه پیش می‌روند. و این روند متمایز سازی همچنان ادامه می‌یابد. بنابراین، نتیجه این برتری جویی‌ها تغییر در ارزش‌ها و سبک زندگی و سلیقه و گرایش به مصرف‌گرایی است. در این میان جامعه‌ای که بتواند خود را با روند تغییرات هماهنگ سازد شکست نخورده و می‌تواند به اهداف خود دست یابد.

در واقع شاید بتوان به عنوان نتیجه‌گیری آخر به این مطلب اشاره کرد که بدین ترتیب در جامعه ایرانی ما با تغییرات نام‌محسوسی مواجه هستیم. در واقع تقریباً افراد

جامعه پس از جنگ (جنگ ایران و عراق) از نام‌های اسلامی ناب روی گردان شده و بیشتر به سمت نام‌های ایرانی و یا حتی غربی گرایش پیدا کرده اند. هرچند میزان این گرایش بین افراد ساکن مناطق جنوبی شهر نامحسوس‌تر و کمتر است. به هر حال به نظر می‌رسد برای تایید بیشتر این مدعا به تحقیق‌های جامع‌تری نیاز است و باید از تحقیق‌های بنیادی دیگری نیز بهره برد^(۲).

پی‌نوشت

۱. باید در نظر داشت که مفاهیم مثبت یا منفی به‌کار رفته در الگو بدون در نظر گرفتن بار ارزشی آنها است. مثبت به معنای تفاهم با نظام و ساختار حاکم بر جامعه و منفی به معنای مخالفت و یا عدم تفاهم با آن است و نه به معنای خوب یا بد بودن.
۲. با تشکر از توجه و زحمات استاد ارجمند جناب آقای دکتر علی ساعی که در اصلاح برخی قسمت‌ها ما را یاری نمودند.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۸) ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، چاپ ۴، تهران، نی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحولات فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر.
- بیلینگتون، روزاموند (۱۳۸۰) مقالات جامعه‌شناسی فرهنگ، ترجمه فریبا غرب دفتری، تهران، قطره.
- دواس، دی. ای (۱۳۸۳) روش پیمایش در تحقیق اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، چاپ پنجم، تهران، چشمه.
- ربیعی، علی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی تحولات ارزشی، تهران، فرهنگ و اندیشه.
- رجب زاده، احمد (۱۳۷۸)، تحلیل اجتماعی نامگذاری، چاپ اول، تهران، روش.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷)، توسعه و تضاد، چاپ سوم، تهران، سهامی انتشار.
- عبدی، عباس (۱۳۷۶) تحول نام‌گذاری کودکان تهرانی (۱۳۴۵ تا ۱۳۷۴)، تهران، حنا.
- کوهن، پرسای. اس (۱۳۸۱)، نظریه اجتماعی نوین، ترجمه یوسف نراقی، چاپ اول، سهامی انتشار.
- مانهایم، کارل (۱۳۸۰)، ایدئولوژی و اتوپیا، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، چاپ اول، سمت.

- Deinberg, Richard (1983) "What's in a name? Personal Identity and Naming on Anuta", *Central Issues in Anthropology*.
- Habibi, N. (1992) "Popularity of Islamic and Persian names in Iran before and after the Islamic revolution", *International Journal of Middle East Studies*, N: 24.
- Florenskiy, Panel Aleksandrovich (1988) "Imena" *Sotsiologicheskije, Issledovaniya*, N: 15, 6.
- Florenskiy, Panel Aleksandrovich (1989) "Imena" *Sotsiologicheskije, Issledovaniya*, N: 16, 2.
- Florenskiy, Panel Aleksandrovich (1990) "Imena" *Sotsiologicheskije, Issledovaniya*, N: 17, 2.
- Florenskiy, Panel Aleksandrovich (1990) "Imena" *Sotsiologicheskije, Issledovaniya*, N: 17, 4.
- Florenskiy, Panel Aleksandrovich (1990) "Imena" *Sotsiologicheskije, Issledovaniya*, N: 17, 5.
- Florenskiy, Panel Aleksandrovich (1990) "Imena" *Sotsiologicheskije, Issledovaniya*, N: 17, 7.

- Florenskiy, Panel Aleksandrovich(1990) “Imena“ Sotsiologicheskie, Issledovaniya, N: 17, 8.
- Firth, Raymond (1987) “Personal Names”, L.S.E.
- Lieberson, Stanley(1984) “What’s in a Name? Some Sociolinguistic Possibilities”, International Journal of the Sociology of Language, N: 45.
- Sumser, John(1992) “Not Just Any Tom, Dick or Harry: The Grammar of Names in Television Drama”, Media Culture and Society, N: 14,4.
- Taylor, R(1974) “A Study of His Distribution in space, Time and the Social Structure” Social Forces.